

خطبه های نماز جمعه مورخه 1396/03/19

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين والصلوة والسلام على اشرف الانبياء والمرسلين حبيبا و حبيب اله العالمين الذي سمى في السماء باحمد و في الارضين بابي القاسم محمد (صلى الله عليه و آله و سلم) و على اهل بيته الطاهرين و لعنت الله على اعدائهم اجمعين من الآن الى يوم لقاء رب العالمين. اما بعد عبادالله اوصيكم ونفسي بتقوى الله و اتباع امره و نهى.

4. «رَأَقَبَ رَبُّهُ» امر خدا را پاس دارد

چهارمین جمله حضرت امیر (ع) است که می فرماید رحمت خدا شامل آن شخصی است که «رَأَقَبَ رَبُّهُ» مراقب پروردگارش باشد. مراد از مراقبت از خدای متعال این است که خدا در نظر بگیرد و بداند خدای متعال ناظر بر اوست. کسی که خدا را ناظر می داند چون خدا خواه است و خدای متعال را دوست دارد همواره به سمت او کشیده می شود و محبت الهی سختیها را بر وی آسان می کند و بر تلاش او می افزاید و از طرف دیگر چون او را ناظر می داند رفتار خود را طبق نظر الهی تنظیم می کند. علم را محضر خدا می داند و در محضر خدا گناه نمی کند.

مردی از امام جواد علیه السلام موعظه خواست حضرت فرمودند: «وَاعْلَمُ أَنَّكَ لَنْ تَخْلُوَ مِنْ عَيْنِ اللَّهِ فَأَنْظِرْ كَيْفَ تَكُونُ»¹ بدان که در برابر دیده خدایی و متوجه باش که چگونه ای.

نظارت خدا بر ما برای مچ گیری نیست بلکه جنبه تربیتی دارد. وقتی انسان متوجه می شود که خدایش می بیند خود را به آتش نمی افکند و شخصیت خود را با گناه و معصیت از بین نمی برد. او ستار العیوب است و عیبها را می پوشاند.

یکی از اوصاف خدا حیاست. ما گناه می کنیم ولی او حیا می کند.

امام باقر (علیه السلام) می فرماید: هیچ بنده ای دست خود را به سوی خداوند دراز نمی کند، جز این که خداوند حیا می کند آن دست را خالی برگرداند.

به حضرت موسی (علیه السلام) می فرماید: کسانی که با پرهیز از حرامها به عبودیت من پردازند، از سوال کردن از آنها حیا می کنم.

کسی که خوشرو و خوش اخلاق است خدای متعال از عذاب او حیا می کند. از عذاب پیرمرد هشتاد ساله گناهکار حیا می کند.

امام صادق (ع) می فرماید: «چون مؤمنی بمیرد و چهل مرد مؤمن بر جنازه ی او حاضر شوند و بگویند بار خدایا ما جز نیکی از او نمی دانیم و تو، به او از ما داناتری، خدای تبارک و تعالی می فرماید: من گواهی شما را درباره ی او پذیرفتم و آن چه شما از او نمی دانید آموختم»

حضرت علی (علیه السلام) فرمودند: بر هر بنده ای چهل پرده و سپر افکنده شده است تا آن که چهل کیبیه را مرتکب شود، آنگاه تمام چهل پوشش وی برگرفته می شود. در این هنگام خداوند به فرشتگان وحی می کند که با بالهای خود بنده ی مرا بپوشانید و ملائکه نیز با بالهای خود او را می پوشانند. ولی او هیچ عمل زشتی را فروگذار نمی کند، تا جایی که به واسطه ی کارهای زشتش، خود را شایسته ی مدح و ستایش مردم می داند. آنگاه فرشتگان می گویند پروردگارا! این بنده ی توست! از هیچ گناهی فروگذار ننموده و ما از کردار او شرمساریم. آنگاه خداوند به آنان وحی می کند: بالهای خویش را از روی او بردارید.

¹. تحف العقول؛ النص؛ ص 455

خدای ما ناظر ماست و شایسته نیست انسان پرده دری کند.

5. «وَ خَافَ ذَنْبَهُ» از گناهش بترسد

پنجمین جمله این است که خدا رحمت کند آن شخصی را که از گناهش بترسد. گاهی انسان آنقدر به گناه عادت می کند که قبح گناه را احساس نمی کند چنین انسانی در جهالت و نادانی غرق شده است و سعادت آن بسیار بعید است. ولی بعضی از انسانها وجدانشان هنوز بیدار و زنده است. گناهی را از سر غفلت یا فریب نفس انجام می دهند ولی پس از مدتی هروقت گناهشان را به یاد می آورند نگران می شوند.

نقل کرده اند مردی به نام "توبه" بود که غالباً به "محاسبه نفس" می پرداخت، روزی گذشته عمر خود را محاسبه کرد، در حالی که شصت ساله بود، مجموعه ایام آن را حساب کرد 21 هزار و 500 روز شد، گفت: ای وای بر من اگر در ازای هر روز یک گناه بیشتر نکرده باشم بیش از بیست و یکهزار گناه کرده ام، آیا می خواهم خدا را با بیست و یکهزار گناه ملاقات کنم؟! در این هنگام صیحه ای زد و بر زمین افتاد و جان به جان آفرین تسلیم کرد²

خطبه دوم

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله الذي لا يبلغ مدحته القائلون ولا يحصى نعمائه العادون ولا يؤدى حقه المجتهدون الذي لا يدركه بعد الهمم ولا يناله غوص الفطن ثم الصلاة والسلام على اشرف الانبياء والمرسلين الذي سمى في السماء باحمد وفي الارضين بابي القاسم محمد اللهم صل على علي امير المؤمنين وعلى فاطمه سيده النساء العالمين وعلى الحسن والحسين سيدى شباب اهل الجنة وعلى علي بن الحسين ومحمد بن علي وجعفر بن محمد وموسى بن جعفر وعلى بن موسى ومحمد بن علي وعلى بن محمد والحسن بن علي والحجه القايم المنتظر عجل الله تعالى فرجه وجعلنا من اعوانه وانصاره والمستشهادين بين يديه

اسغفرالله لى و لكم من جميع الذنوب والآثام و اتوب اليه

امام باقر در توصیه خود به جابر جعفی می فرماید: «اعلم بانك لا تكون لنا ولياً حتى لو اجتمع عليك اهل مصر ك و قالوا إنك رجل سوء لم يخزنك ذلك و لو قالوا إنك رجل صالح لم يسرك ذلك و لكن اعرض نفسك على كتاب الله فإن كنت سالكاً سبيله زاهداً في ترهيد راعياً في ترغيبه خائفاً من تخويفه فأثبت و أبشر فإنه لا يصرك ما قيل فيك و إن كنت مبيناً للقرآن فما ذا الذي يعرك من نفسك»³ بدان که دوست ما شمرده نشوی تا چنان (محکم) شوی که، اگر همه همشهریان گرد آیند و گویند تو مرد بدی هستی، مایه اندوه تو نشود، و اگر همه گویند تو مرد خوبی هستی، شادت نکند.

ولی خود را به قرآن عرضه کن، اگر به راه قرآن می روی و آنچه را که قرآن نخواست، نمی خواهی، و آنچه را که قرآن خواسته است، می خواهی، و از آنچه که بیم داده است، می ترسی، برجا و پایدار باش و مزدهات باد که هر چه درباره تو گویند، به تو زبانی نمی رسانند؛ ولی اگر از قرآن جدایی (و به راه قرآن نمی روی پس چه چیزی سبب می شود که به خودت مغرور شوی؟

سالگرد میلاد امام حسن (ع)

نیمه ماه مبارک رمضان سال دوم هجری روز ولادت امام حسن مجتبی علیه السلام است . من این روز را بر شما و تمام دوستان ارادتمندان آنحضرت تبریک می گویم. امام حسن علیه السلام در سخت ترین روزگار متولد شد . چرا که در هفت سال اول عمر آنحضرت صلی الله علیه و آله جدش رسول خدا صلی الله علیه و آله و پدرش علی علیه السلام دائماً در حال مبارزه و جنگ و با مشرکین و یهودیان کفار بودند. یعنی خانواده دائماً در خطر بودند

² - سفینه البحار " جلد اول صفحه 488 ماده ذنب

³ . تحف العقول ؛ النص ؛ ص 284

و در هفت سالگی وی، رحلت پیامبر اسلام ﷺ اتفاق افتاد و آن مصیبت بزرگ بدنبالش حوادث ناگواری از قبیل غضب خلافت، حمله به خانه وحی و خصوصاً رحلت جانسوز زهرای مرضیه (علیها السلام) آورد که هر کدام بر امام حسن مجتبیٰ ﷺ بسیار ناگوار بود.

آنحضرت 25 سال شاهد خانه نشینی پدرش بود و شاهد رفتارهای ناپسند خلفاء خصوصاً عثمان بود. و بعد از آن حضرت امیر ﷺ به خلافت رسید که در مدت اندک خلافت آنحضرت سه جنگ جمل، صفین و نهروان اتفاق افتاد که خود امام حسن ﷺ در این جنگها شرکت می کرد. بی وفائی مسلمانان و مردم کوفه را نسبت به امام علی با چشم خود می دید و می دید که حضرت امیر ﷺ می فرمودند: شما دلم را پر خون کردید، کاش شما را نمی دیدم و شما را نمی شناختم. تا اینکه شاهد شهادت مظلومانه پدرش شد. مردم پس از علی ﷺ با وی بیعت کردند ولی او را تنها گذاشتند. امام برای جنگ با معاویه «عبید الله بن عباس» را که پسر عمیش بود و دوفرنزندش را معاویه سربریده بود با 12 هزار نفر بن نخيله فرستاد و عبیدالله با هشت هزار نفر شبانه به معاویه ملحق شد و امام ﷺ را تنها گذاشت. خود حضرت به مدائنی رفت تا برای جنگ با معاویه نیرو جمع کند، معاویه با ارسال دو نفر به مدائنی شایع نمود که امام حسن ﷺ با معاویه صلح نموده است. با این شایعه منافقین به جای اینکه به امام ﷺ کمک کنند به خیمه آنحضرت حمله کردند و به امام علی ﷺ اهانت نمودند و خیمه امام حسن ﷺ را غارت نموده خودش را مجروح ساختند. و بالاخره صلح تحمیلی با معاویه را بر امام تحمیل نمودند.

اما این امام ﷺ با همین مردم بسیار مهربان بود و به فقرای آنها بسیار کمک می کرد. به طوری که نقل شده است، در طول عمر خود سه بار تمام اموال و دارایی خود را در راه خدا خرج کرد و سه بار ثروت خود را به دو نیم تقسیم کرده و نصف آن را برای خود نگهداشت و نصف دیگر را در راه خدا بخشید.

او فقیری را از در، دست خالی برنگرداند. او کریم اهل بیت (علیهم السلام) بود. روزی غلام سیاهی را دید که گرده ی نانی در پیش نهاده، یک لقمه می خورد و یک لقمه به سگی که آنجاست می دهد از او پرسید: چه چیز تو را به اینکار وامیدارد؟ گفت: شرم می کنم که خودم بخورم و باو ندهم امام حسن ﷺ باو فرمود: از اینجا حرکت نکن تا من برگردم و خود نزد صاحب آن غلام رفت، او را خرید، باغی را هم که در آن زندگی می کرد خرید، غلام را آزاد کرد و باغ را بدو بخشید.

حلم و گذشت او چنان بود که - بگفته ی مروان - با کوه ها برابری میکرد. و علی رغم بخششهای زیاد خود زاهد ترین مردم بود و در عبادت سرآمد آمد بود که 20 بار با پای پیاده به حج رفت. فضیلت آنحضرت بیش از آن است که در خطبه نماز جمعه بتوان گفت.

اولین شب قدر و ضربت خورد حضرت امیر (ع)

شب 19 رمضان اولین شب قدر و شب ضربت خوردن امام علی (ع) در پیش است. از یک طرف شب قدر شب سرنوشت ساز و سکوی معراج به قله فضائل است که عبادت در آن از هزار شب افضل است و سرنوشت یک ساله در آن نوشته می شود ولی از طرف دیگر حادثه ای در این شب اتفاق افتاد که حاکی از عمق جهالت بشریت است. و آن ضربت خوردن مجسمه عدالت حضرت امیر (ع) بدست شخصی که ادعا می کند مسلمان است و برای نجات مسلمانها حضرت امیر را می کشد و در هنگام ضربت می گوید اللحم لله لا لک یا علی.

نه ضربت این ملجم یک ضربت شمشیر از ناحیه یک فرد بود و نه پاره شدن فرق آن حضرت شکافته شدن سر یک انسان بود. بلکه یکی نماینده شقاوت انسانیت بود و دیگری نماد مظلومیت که به خاطر عدالتش به شهادت رسید.

از شب قدر که شب ولایت است درست استفاده کنیم و مهمترین درخواست ما در شب قدر این باشد که امامان را خدای متعال به ما بشناساند تا در فتنه ها گمراه نشویم.

حادثه تروریستی تهران

در هفته جاری یک حادثه تروریستی در حرم امام و ساختمان مجلس شورای اسلامی اتفاق افتاد که گرچه در جای خود جای تأسف بود ولی دور از انتظار هم نبود. دلیل این که دور از انتظار نبود این است که کشور ما مورد تهاجم دشمنان ما قرار گرفته است و دلاورمردان ما به استقبال هزاران تروریست که قصدشان کشور ما بود، رفتند و آنها را دور از خاک کشورمان زمین گیر کردند. آمریکا، اسرائیل و عربستان و همپیمانان نادان آنها از گروه داعش و دیگر تروریستها حمایت کردند گرچه نتوانستند به کشور ما نفوذ کنند ولی دو کار کردند یک این که سوریه را به آتش کشیدند و در عراق جنایت نمودند و دیگر این که تعداد زیادی از گروههای تروریستی به راهی کشور ما کردند. دهها گروه تروریستی با تمام امکانات و تجهیزات برای ایجاد ناامنی و قتل عام مردم عازم ایران شدند. ولی سربازان گمنام امام زمان آنها را قبل از ورود به کشور شناسائی کردند و تعدادی از آنها را قبل از ورود به کشور نابودشان کردند و تعدادی را بعد از ورود به کشور و قبل از این که مقاصد شیطانی خود را عملی کنند کشف شدند.

از این خیل عظیم تروریستها که از صادرات استکبار جهانی و وهابیت است یک مورد به کشور نفوذ کرد و به قصد ایجاد ناامنی به حرم امام و مجلس شورای اسلامی حمله کرد و تعدادی از هموطنان ما را به شهادت رساند و البته خودشان نیز توسط نیروهای امنیتی کشته شدند.

در اینجا چند نکته را متذکر می شوم

نکته اول این است که دشمن ما این گونه آدمهای وحشی است که اگر فرصت پیدا کنند به زن و مرد و پیر و جوان رحم نمی کند و به قول خودشان فقط می خواهند خون بریزند. و چنین دشمنی تعدادشان و حمایت کنندگانشان کم نیستند. ما باید هم اتحاد داشته باشیم و هم خودمان را قدرتمند کنیم و هم قدر نیروهای امنیتی خودمان را بدانیم و با تمام وجود از آنها حمایت کنیم. سخنی بر زبان نیاوریم که موجب سستی آنها شود گرچه آنها آنقدر قدرتمندند که با این سخنان بیهوده که گاهی گفته می شود سست نمی شوند. دوم این که در این چزیره پرتلاطم که کشور ما در امنیت کامل به سر می برد آنهایی که در امنیت کامل بودند نه قدر امنیت را می دانستند و نه قدر امنیت آفرینان را اگر از کمترین عقل و فکر بر خوردار باشند هم قدر امنیت را می دانند و هم نه تنها خودشان بلکه خانوادهشان پروارانه وار گرد وجود امنیت سازان می چرخند و قدرشان را می دانند.

سوم این که آنها که از روی نادانی مدافعین حرم را تخطئه می کردند متوجه شدند که اگر مدافعان در سوریه نبودند سر آنها را داعشیان در خیابانهای طهران می بریدند.

نکته آخر این که احزاب سیاسی و اختلافات سیاسی در هر کشور از جمله کشور ما طبیعی است ولی وقتی بحث امنیت پیش می آید باید هم یک صدا در مقابل دشمن قرار بگیریم و تا کنون این گونه بوده است. البته تعداد انگشت شمار و وطن فروش همواره بوده است که ابزار دست دشمن شده اند ولی مهم این است که ما قدرت تشخیص داشته باشیم و منافق و مجاهد و جلاد و شهید را از هم تفکیک کنیم.